

چندجانبه‌گرایی و دیپلماسی حقوقی

افراط‌گرایی سیاسی آمریکا تیر دیگری بر پیکر اعتبار نحیف‌شده این کشور است و همانند تجربه‌های پیشین، روند افول هژمونی غرب را شتاب خواهد بخشید. راه عبور از این دوره، نه در عقب‌نشینی یا حتی مقاومت منفعلانه، بلکه در تقویت ابتکارات حقوقی، دیپلماسی متوازن و تحکیم ساختارهای چندجانبه بین‌المللی و منطقه‌ای نهفته است.

به گزارش سایت خبری پرسون، علی بهادری جهرمی عضو هیئت علمی دانشکده حقوق دانشگاه تربیت مدرس در یادداشتی نوشت: افراط‌گرایی سیاسی که طی سال‌های اخیر به بخش مهمی از سیاست خارجی آمریکا تبدیل شده، امروز بیش از هر زمان دیگری در حال افشای ماهیت حقیقی این کشور در نظام بین‌الملل است. ابزارسازی از تحریم، سلاح‌سازی از دلار و استفاده ابزاری از رسانه‌ها برای تحمیل اراده سیاسی، همگی نشانه‌هایی از یک الگوی رفتاری است که واشنگتن از آن برای تلاش در راستای حفظ سلطه خود بر نظام جهانی دنبال می‌کند. اما در مقابل، شواهد موجود نشان می‌دهد که این سیاست‌ها نه تنها باعث تثبیت موقعیت آمریکا نشده، بلکه روند افول این هژمونی را تسریع کرده است.

شهید آیت‌الله رئیسی، مبتنی بر راهبردی که رهبر معظم انقلاب سال‌ها بر آن تأکید می‌فرمودند اما نسبت به آن غفلت می‌شد، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را در مسیر عبور از سلطه‌گری آمریکا و تقویت جایگاه ایران در نظام بین‌الملل طراحی کرد. شهید رئیسی با درک صحیح از تحولاتی که در عرصه جهانی در حال وقوع بود، راهبرد چندجانبه‌گرایی را به‌عنوان پاسخ عملی و مؤثر در برابر یکجانبه‌گرایی مبتنی بر ظلم اتخاذ کرد.

عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای و گروه بریکس، توسعه روابط اقتصادی و سیاسی با کشورهای همسایه و اسلامی و برطرف کردن برخی چالش‌های موجود در روابط دیپلماتیک منطقه‌ای، همگی میراثی ارزشمند از این نگاه هوشمندانه است که اکنون باید با حداکثر ظرفیت از آن بهره‌برداری شود.

امروز، جامعه جهانی بیش از هر زمان دیگری نسبت به افراط‌گرایی آمریکا حساس شده است. مواضع اخیر قدرت‌های بزرگ و حتی برخی کشورهای همپیمان سنتی آمریکا نشان می‌دهد که صبر نظام بین‌الملل در برابر سیاست‌های تحمیلی این کشور به سر آمده است. همسایه آمریکا، کانادا هم اکنون واضح‌تر از هر زمان دیگری به ماهیت زورگو و قلدرمآبانه آمریکا پی برده است.

رویکردهایی نظیر تحمیل مجدد تحریم‌های یکجانبه، فشار بر نهادهای بین‌المللی برای همسویی با سیاست‌های آمریکایی و تلاش برای سلطه بر اقتصاد جهانی، به‌شدت در حال فرسایش اعتبار آمریکا به‌عنوان یک بازیگر در روابط بین‌الملل است. تحریم دیوان کیفری بین‌المللی و خروج از سازمان بهداشت جهانی و سایر موارد مشابهی که باید از این پس منتظر آن‌ها باشیم، بیش‌از هر چیز اعتبار آمریکا را به عنوان یک بازیگر پرادعای بین‌المللی مخدوش می‌کند. این روند، همان‌طور که در مورد دلار و رسانه دیده شد، باعث تسریع در گزینه‌های جایگزین، مستقل از ساختارهای تحت سلطه آمریکا شده است.

اما آنچه امروز بیش از پیش ماهیت واقعی سیاست‌های افراطی آمریکا را بر جهان آشکار کرده، حمایت بی‌قید و شرط ترامپ از پروژه نسل‌کشی، یا - به تعبیر خودشان - پاکسازی نژادی (!) در غزه و همدستی آشکار وی در جنایات علیه ملت فلسطین است. ترامپ که پیش‌تر نیز با خروج از برجام و وضع تحریم‌های غیرقانونی علیه ایران، قلدری در سیاست خارجی را پیش گرفته بود، اکنون به صراحت از تصاحب اراضی فلسطینیان و طرح‌های توسعه‌طلبانه رژیم صهیونیستی حمایت می‌کند. این اقدامات، به همراه رویکرد گستاخانه واشنگتن در تهدید کشورها و سازمان‌های بین‌المللی که با این سیاست‌ها مخالفند، نشان‌دهنده افول جدی و سریع مشروعیت اخلاقی و حقوقی آمریکا در نظام بین‌الملل است.

در چنین شرایطی، اصلی‌ترین راهبرد برای جمهوری اسلامی ایران، تداوم مسیر شهید رئیسی در تقویت چندجانبه‌گرایی، دیپلماسی متوازن و اتخاذ رویکردهای حقوقی برای مهار افراط‌گرایی واشنگتن است.

دیپلماسی حقوقی، به‌عنوان ابزاری برای به چالش کشیدن مشروعیت تحریم‌های یکجانبه در دادگاه‌های بین‌المللی و نهادهای حقوقی، می‌تواند به کاهش آثار این اقدامات کمک کند. علاوه بر آن، تقویت همکاری‌های اقتصادی مستقل از دلار و بهره‌گیری از ظرفیت‌های سازمان‌هایی همچون شانگهای و بریکس، به همراه گسترش روابط با کشورهای منطقه، مهم‌ترین اقدام برای عبور از این دوره پرتنش جهانی محسوب می‌شود.

ایران امروز یک اسب زین شده در عرصه سیاست خارجی دارد که باید از آن برای استحکام موقعیت خود در برابر یکجانبه‌گرایی بهره‌برداری کند. وزارت نفت رسماً اعلام کرد ماه گذشته، یعنی در اوج تهدیدهای ترامپ و همزمان با دستورهای جدید تحریمی ترامپ، فروش نفت ایران رکورد زده است؛ این موضوع

مهر تأییدی بر اسب زین شده تجارت خارجی است که دولت شهید رئیسی علی‌رغم شرایط بحرانی تحویل شده به خود، تنها طی سه سال آن را محقق کرده و اکنون در اختیار دولت چهاردهم است. استمرار این مسیر نیازمند طراحی مستمر و به روز، تغییر مستمر روش‌ها و ابزارها به منظور جلوگیری از شناسایی در جنگ اقتصادی و جدیت در تعامل با کشورهای همراه است تا مثل شرایط حاکم بر قبل از دولت سیزدهم، این کشورها احساس مذاکره

دست دومی یا نگاه حاشیه‌ای ایران به خود را نداشته باشند.

با این اوصاف، افراط‌گرایی سیاسی آمریکا تیر دیگری بر پیکر اعتبار نحیف‌شده این کشور است و همانند تجربه‌های پیشین، روند افول هژمونی غرب را شتاب خواهد بخشید. راه عبور از این دوره، نه در عقب‌نشینی یا حتی مقاومت منفعلانه، بلکه در تقویت ابتکارات حقوقی، دیپلماسی متوازن و تحکیم ساختارهای چندجانبه بین‌المللی و منطقه‌ای نهفته است. آینده نظام بین‌الملل به‌وضوح به سمت گذار از یکجانبه‌گرایی افراطی و حرکت به سوی یک نظم جدید جهانی مبتنی بر چندجانبه‌گرایی واقعی پیش می‌رود؛ ایران باید از این فرصت تاریخی بیشترین بهره را

ببرد.